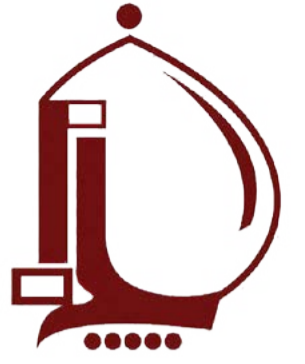


خبرنامه اطلاع رسانی داخلی  
دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم  
ویژه نامه روز بزرگداشت علامه امینی





## ستاره‌های بدرخشید و ماه مجلس شد

### دل رمیده ما را انیس و مونس شد

آسمان تبریز سرشار از ستاره‌های درخشان بود و از زمین و زمان نور می‌بارید؛ گویا همه می‌دانستند شیخ احمد در انتظار فرزند است که با الغدیر خود، جهانی را نورانی خواهد کرد. سرانجام انتظار به سر رسید [۱] و خانه شیخ احمد لبریز شادی شد. فرزند را عبدالحسین نامیدند تا همواره عشق اهل بیت (ع) در سینه‌اش مانا باشد؛ پیوسته در مسیر ایشان گام بردارد و همچون مولایش حسین (ع)، شمیم روح افزای ولایت را پراکنده سازد. آری، عبدالحسین به دنیا آمد و الغدیر با او جان گرفت.

#### خاندان پاک

شیخ (میرزا) احمد امینی تبریزی، [۲] پدر بزرگوار علامه امینی از عالمان با تقوا بود و مردم به ایشان همواره به دیده احترام می‌نگریستند. ایشان در سال ۱۲۸۷ هـ ق در روستای سردها - از توابع تبریز - به دنیا آمد و در سال ۱۳۰۴ هـ ق برای یادگیری دانش به تبریز رفت. میرزا احمد پس از تکمیل مقدمات، از استادان بسیاری کسب فیض کرد و در رشته‌های گوناگون دینی، از خرمن دانش بزرگان، خوشه‌ها چید. به گونه‌ای که حضرت آیت الله میرزا علی شیرازی [۳] و استاد میرزا علی ایروانی [۴]، دانش و پارسایی ایشان را تأیید کردند. برخی آثار به یادگار مانده از ایشان عبارتند از: شرحی بر قصیده المفجع و تعلیقاتی بر مکاسب شیخ انصاری. این مرد بزرگ در سال ۱۳۷۰ هـ ق، دیده از جهان فرو بست.

پدر بزرگ علامه امینی، مولی نجف قلی مشهور به امین الشرع بود که نام خانوادگی علامه نیز از همین لقب گرفته شده است. ایشان در سال ۱۲۵۷ هـ ق، در روستای سردها پا به عرصه هستی نهاد و به یادگیری دانش و ادب پرداخت. وی مردی زاهد، فاضل، پرهیزگار و ادیبی برجسته بود که به گردآوری اخبار ائمه اطهار (ع) علاقه بسیاری داشت و چند مجموعه روایت نیز تدوین کرده و اشعاری به فارسی و ترکی از او به جا مانده است. ایشان در سال ۱۳۴۰ هـ ق از دنیا رفت و در وادی السلام نجف اشرف به خاک سپرده شد. [۵]

#### دوران کودکی

کودکی عبدالحسین مانند دیگر هم سالانش سپری نشد، بلکه او از همان کودکی، استعداد و تیزهوشی عجیبی از خود نشان می‌داد. وی از آغاز زندگی، با حافظه قوی و سرعت عجیبش در درک مسائل دینی، [۶] همه نگاه‌ها را به خویش جلب کرد. روح پرسش‌گر و جست‌وجوگر عبدالحسین نمی‌گذاشت تا او مانند دیگر کودکان باشد. هر کس در کودکی او را درک می‌کرد، از تیزهوشی وی خبر می‌داد. او مانند عالمان فکر می‌کرد و می‌فهمید و حالت‌های کودکانه - مثل بازی و کارهای بیهوده - را انجام نمی‌داد. [۷]

خانواده مذهبی و علاقه مند به دانش و معرفت علامه نیز زمینه رشد و تعالی عبدالحسین را آماده کردند. اولین استاد این کودک با استعداد، پدر روحانی‌اش بود که او را با مبانی دانش آشنا ساخت و روح تشنه‌اش را سیراب کرد.

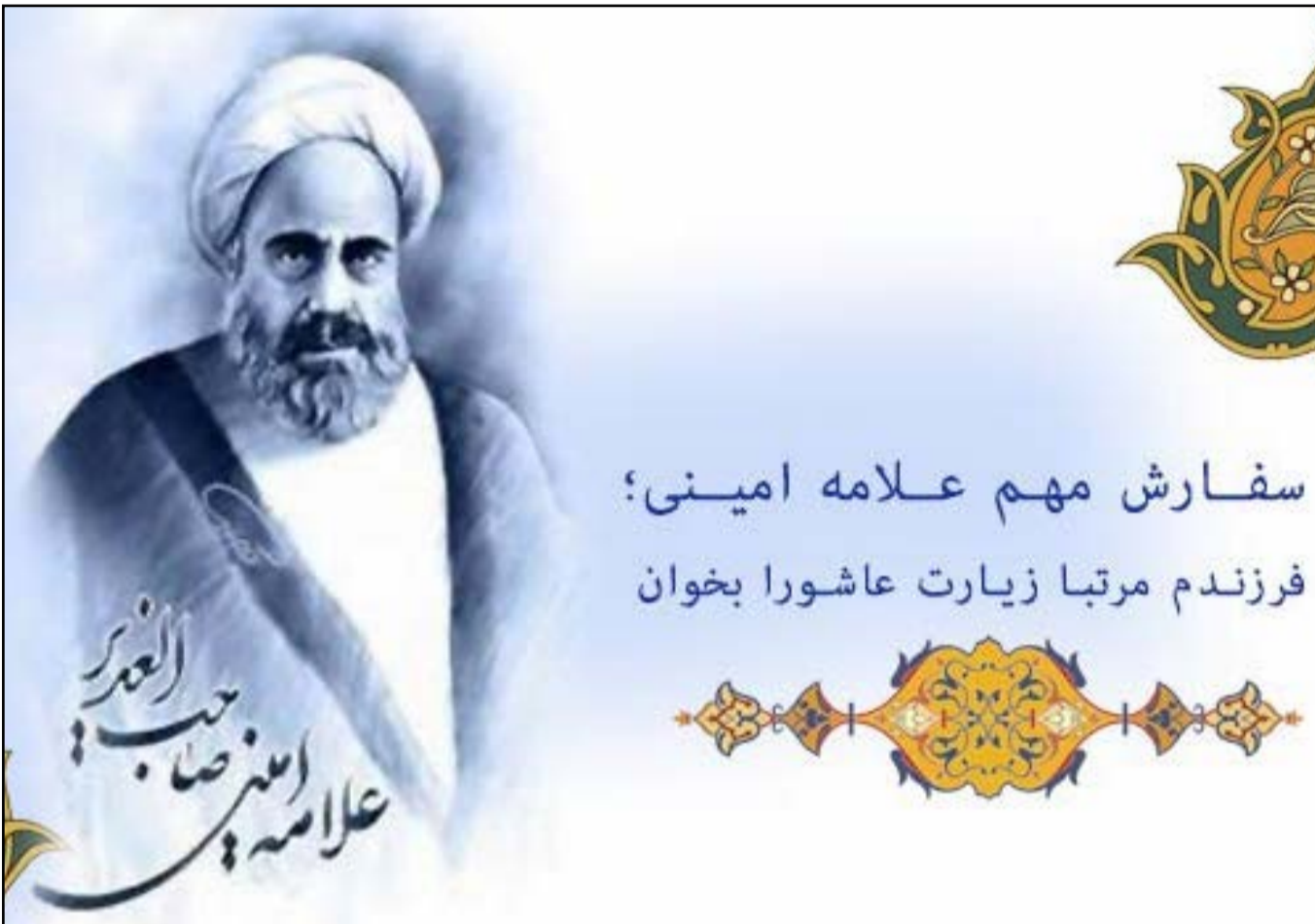
پدر، ادبیات فارسی، عربی، منطق و تا اندازه‌ای فقه و اصول را به فرزندش آموخت. در کنار این‌ها، عبدالحسین به کتاب‌های حدیثی و اعتقادی نیز اشتیاق زیادی داشت، ولی با این همه، قرآن و نهج‌البلاغه دو کتاب گران قدر برای آموزش این محصل جوان بود. [۸]

از همان کودکی، وجود عبدالحسین از آیه‌های قرآن و سخنان والای امیرالمؤمنین (ع) و امامان دیگر پر شد و به این ترتیب، عشق به اهل بیت (ع) در تار و پود وجودش نفوذ کرد به گونه‌ای که نخستین شعری که فرزند شاگرد از پدر استاد خویش آموخت و حفظ کرد، شعری از امیرالمؤمنین علی (ع) بود با این مطلع:

محمد النبی اخی و صنوی

و حمزه سید الشهداء عمی [۹]

بدین ترتیب، علامه امینی با کوشش علمی و با استعداد و پشتکار خویش، خانواده و اطرافیانش را به آینده خود امیدوار می‌ساخت.



#### سوگ آفتاب

خستگی‌ها و سختی‌های علامه امینی در راه اعتلای دین اسلام و مذهب تشیع در ظهر روز جمعه ۱۲ تیر ماه ۱۳۴۹ هـ ش (۲۸ ربیع‌الثانی ۱۳۹۰ هـ ق) به پایان رسید و صاحب الغدیر پس از ۶۸ سال تلاش و کوشش به دیدار یار شتافت تا از دست صاحب غدیر و از چشمه زلال کوثر بیاشامد و غبار خستگی را از تن بزداید.

علت مرگ علامه نیز پند آموز است. روح بلند علامه پیوسته در پی برنامه‌ها و طرح‌هایی بزرگ و ارزشمند مانند: خانه نویسندگان، رسیدگی به نشریه‌های جهان در مورد اسلام و آیین نقابت بود، ولی کمبود امکانات مالی مانع اجرای این طرح‌ها می‌گشت. دکتر منوچهری - پزشک علامه - در مورد علت بیماری علامه می‌گوید: علامه امینی برنامه‌ها و طرح‌های علمی و فرهنگی گسترده‌ای در ذهنش طرح ریزی کرده بود و چون امکانات مالی نداشت و عملی کردن این طرح‌ها هم هزینه‌های زیادی می‌طلبید، به مغز و اعصابش فشار آورد و دچار بیماری شد. [۱۰]

استاد جلال الدین همایی نیز می‌گوید: کثرت کار و زحمت بی‌شماری که امینی در راه خدمت مذهبی کشید، کم کم قوای بدنی او را ضعیف ساخت تا منتهی به مرگ او گردید. هنگام احتضار لب‌های علامه را با آب مخلوط به خاک مقدس کربلا مرطوب ساختند و فرزندشان - حاج شیخ رضا امینی - دعاهای عدیله، مناجات متوسلین و مناجات المعتصمین را می‌خواند و علامه هم با حزن و اندوه و در حالی که اشک از چشمانشان سرازیر بود، دعاها را تکرار می‌کردند. [۱۱]

آخرین سخنانی که در لحظه‌های آخر زندگی بر لبان آن مرد بزرگ جاری شد، این بود: خداوند! این سکرات مرگ است که به سویم می‌آید. پس به سوی من نظری کن و مرا با آن چه صالحان را کمک می‌کنی، کمک نما. [۱۲]

بامداد روز شنبه ۱۳ تیر ماه، پیکر علامه از خیابان شاه پور تا سه راه بوذرجمهری و از آن جا تا مسجد ارک تشییع شد. مردم همانند کسی که عزیزترین کس خود را از دست داده باشند، در تشییع پیکر امین خود شرکت کردند به گونه‌ای که: میدان‌ها و خیابان‌ها پر بود از جمعیت؛ همه سیاه پوش و غرق در تجلیل علم. [۱۳]

افزون بر تهران، در شهرهای بغداد، کاظمین، کربلا و نجف نیز پیکر علامه با شکوه فراوانی تشییع شد و پس از طواف دادن پیکر بر گرد آستان مقدس علوی، به وصیت خودشان، در حجره‌ای از کتاب خانه امیرالمؤمنین علی (ع) - که خود بنیان‌گذار آن بود - به خاک سپرده شد. پس از مراسم خاک سپاری، مردم تا مدت‌ها در شهرهای بزرگ ایران، عراق و دیگر کشورهای اسلامی، مجلس‌های ترحیم برگزار و از مقام علمی و معنوی آن بزرگ مرد عرصه علم و تقوا تجلیل کردند. عبارتهای زیر گوشه‌هایی از وصیت علامه امینی است [۱۴] که اوج اخلاص و عشق ایشان را به خاندان وحی نشان می‌دهد: از

فرزندان و دوستانم می‌خواهم که مرا از دعای خیر فراموش نکنند و در مجالس عزا، توسل و دعا مرا به یاد بیاورند. از طرف من، کسی را نایب قرار دهید تا ده سال به کربلا برود. ده سال مجلس عزا در روزهای وفات فاطمه زهرا (س) برگزار کنید.

هر چند پیکر خسته صاحب الغدیر از میان شیفتگان ایشان پنهان گشت، ولی الغدیر او مانند نگینی درخشان در عرصه دین و دانش باقی مانده است. به تعبیر استاد جلال الدین همایی: علامه امینی در واقع نمرده، بلکه حیات جاودانی یافته است. [۱۵]

آری:

هرگز نمیرد آن که دلش زنده شد به عشق

ثبت است در جریده عالم، دوام ما

#### ویژگی های اخلاقی علامه امینی

##### ۱- عبادت

راز و نیاز، نیایش و تضرع از ویژگی‌های انسان‌های خدایی است که راه وصول به ملکوت الهی را بر آنان می‌گشاید. هر چه معرفت انسان به خود و خدایش بیش‌تر شود، احساس نیاز به عبادت در وی بیش‌تر می‌گردد. علامه امینی در شمار این افراد بود.

ایشان دارای ابعاد وجودی برجسته‌ای بود؛ اگر تنها به بعد علمی و پژوهشی ایشان بنگریم، ایشان را عالمی محقق و پژوهشگری فرزانه می‌یابیم و اگر تنها به بعد عبادی و گریه‌های شبانه ایشان توجه کنیم، علامه را به عنوان عارف و عابدی زاهد خواهیم شناخت.

علامه به عبادت و راز و نیاز به درگاه بی‌نیاز، نمازهای مستحبی و قرآن خواندن بسیار مشتاق بود. نزدیک فجر به نماز شب می‌ایستاد و پس از آن که نماز صبح را به جای می‌آورد، یک جزء کامل قرآن را با تدبیر تلاوت می‌کرد و از محضر قرآن درس‌ها فرا می‌گرفت.

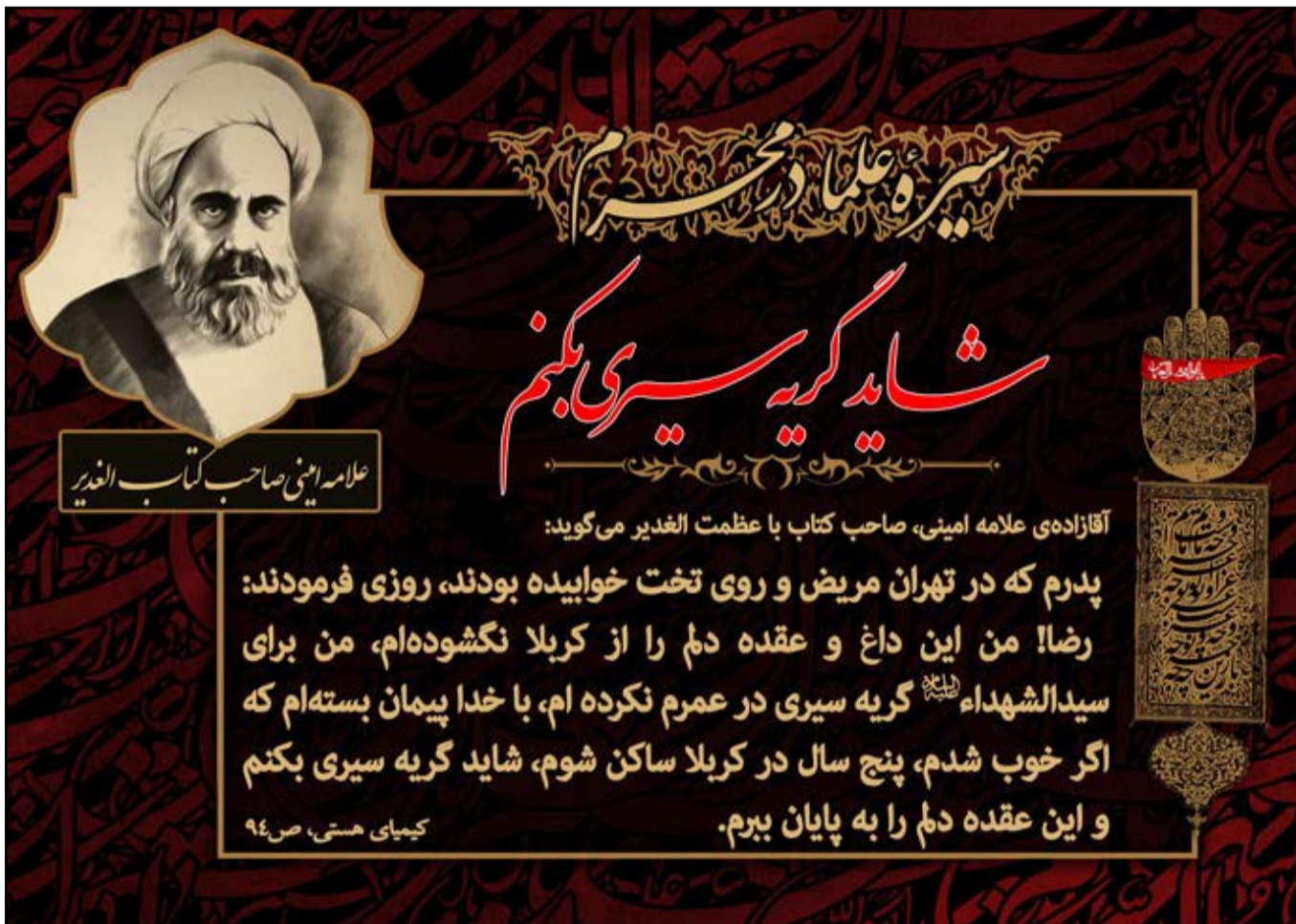
[۱۶] نمازهای ایشان نیز ویژگی‌های خاصی داشت.

آیت الله سید مرتضی نجومی در این باره می‌گوید: چه بگویم در مورد فردی که از سر تا پا ربانی بود. من در حیاتم ندیدم که کسی مثل او نماز بخواند. [۱۷]

دکتر محمد هادی امینی فرزند علامه در مورد نمازهای آن بزرگوار می‌گوید: او نمازش را در اول وقت و با حضور قلب به جای می‌آورد و در قنوت نماز گریه می‌کرد. [۱۸]

روح ایشان با آیات قرآن آمیخته بود و این شیفتگی به قرآن، در لابه‌لای متن الغدیر به چشم می‌خورد. در ماه مبارک رمضان تمام کارهایشان را تعطیل می‌کرد و در کربلا یا نجف، به عبادت و اعمال وارد شده آن ماه مشغول می‌شد. ایشان تا آخر عمر شریفشان، مقید بود که در طول ماه رمضان، ۱۵ بار قرآن ختم کند و ثواب ۱۴ ختم قرآن را به امامان معصوم و ثواب یک ختم را نیز به روح پدر و مادر بزرگوارشان هدیه فرستد. [۱۹] همچنین هزار رکعت نماز مستحبی را





که در شب‌های ماه رمضان وارد شده است، به جای می‌آورد. علامه در کتاب ریاض الانس برخی از این گونه نمازها، تعداد ختم قرآن در سال‌های معین و چگونگی زیارت قبرهای امامان را آورده و به عبادت‌های وارد شده در آن‌ها اشاره کرده است. [۲۰]

۲- زهد و تقوا

تقوا و دوری جستن از سرمایه‌های دنیایی از نشانه‌های دانشمند حقیقی است. امام صادق (ع) می‌فرمایند: کسی که به دنیا بی‌رغبت باشد و زهد را پیشه خود سازد، خداوند حکمت را در قلبش استوار دارد و زبانش را به آن گویا سازد. [۲۱]

این نشانه‌ها در وجود علامه به خوبی نمایان بود. او مجتهد و فقیه عالی قدری بود که آثار گوناگون و ارزشمندی داشت. به همین دلیل، می‌توانست زندگی مرفه و آرامی داشته باشد، ولی هیچ‌گاه پرهیزگاری را ترک نکرد و به نیازدگی - که سرچشمه هر خطا و گناهی است - دچار نشد. همیشه از زندگی ساده خود راضی و شکرگزار بود و هرگز کالای گران قدر آخرت را به ثمن بخش دنیا نفروخت.

از خواندن آیاتی از قرآن که در مذمت دنیا آمده است، خسته نمی‌گردید. به درجه‌های بلند و ماندگار آخرت اطمینان روحی داشت و خانواده، شاگردان و یاران خود را به همین شیوه سفارش می‌فرمود. [۲۲]

ایشان با این که ۴۰ سال در نجف اشرف ساکن بود، ولی خانه‌ای شخصی نداشت؛ خانه‌ای نیز که در آخر عمر خریده بود، بین علامه و کتابخانه مشترک بود.

دکتر جعفر شهیدی درباره زهد علامه می‌گوید: درباره تقوای او باید همین را بگویم که به حقیقت، مصداقی بود از آیه کریمه «یجاهدون فی سبیل الله و لایخافون لومه لائم» [۲۳].

آیت الله موسوی اردبیلی می‌گوید: روزی در خدمت مرحوم آیت الله العظمی خویی حرکت می‌کردیم، مطلبی از ایشان پرسیده بودم، وقتی جوابم را گرفتم، می‌خواستم خداحافظی کنم. فرمود: علامه امینی از ایران برگشته‌اند؛ نمی‌خواهید به دیدن ایشان برویم؟ عرض کردم: امروز روز درس است، اگر اجازه بفرمایید ما روز دیگری می‌رویم و امروز به درس‌هایمان می‌رسیم. فرمود: مطمئن باشید ثواب زیارت ایشان از ثواب همه این درس‌ها بیش تر است! [۲۴]

### ۳- ادب و اخلاق

یکی دیگر از ویژگی‌های آن مرد بزرگ، حسن اخلاق و ادب اسلامی ایشان بود که در کتاب الغدیر نمایان است. ایشان با منابع و متن‌هایی سر و کار داشت که برخی از آن‌ها از جعل، افتراء، توهین، فحش و هتک مقدسات تشیع پر بود، ولی او در الغدیر هیچ‌گاه در پاسخ آن‌ها سخنی بر خلاف ادب اسلامی نمی‌آورد، بلکه پس از این که با استدلال‌های عقلی و نقلی، پاسخی قاطع به بیپنده‌گویی‌های آنان می‌داد، نویسندگان این گونه کتاب‌ها را به وحدت اسلامی فراخوانده اگر گاهی تغییرهای تند و عتاب آمیز در الغدیر هست، بدان دلیل است که طرف مقابل بسیار هتاک و بی‌ادب و دشمن خونی شیعه بوده است. از این رو، این عتاب‌ها نیز جنبه شخصی ندارد، بلکه در دفاع از ناموس بزرگ دین (ولایت) است. باید دانست علامه در سر تا سر الغدیر، از عالمان، مفسران و اندیشمندان اهل سنت با تجلیل فراوان یاد می‌کند.

استاد محمد عبدالغنی حسن مصری از عالمان اهل سنت، با توجه به این ویژگی علامه، درباره ایشان چنین می‌سراید:

یشتد فی سبب الخصومه لهجه

و کذلک العلماء فی اخلاقهم

لکن یرق خلیفه و طباعا

یتباعدون و یلتقون سراعاً [۲۵]

هنگام بحث، لحن او تند می‌شود، ولی خوی و خلق او بسیار نرم است. اخلاق دانشمندان این گونه است. از هم (به خاطر عقیده) دور می‌شوند، ولی باز به زودی گرد هم می‌آیند.

در نشست‌هایی که در شهرهای گوناگون تشکیل می‌شد، ایشان در سخنرانی‌های خود، به دور از هرگونه تعصب و با زبانی به دور از نیش و کنایه و تهمت و در عین حال قاطعانه، حقیقت را بیان می‌کرد. محمد سعید دحدوح - از عالمان بزرگ حلب - در بخشی از نامه‌اش به علامه می‌نویسد: به راستی، شما روش و اخلاقی را از آل محمد (ص) ارث برده‌اید که مانند آن را از غیر شما نخواهیم یافت، مگر تعداد خیلی از پارسایان با اخلاص. [۲۶]

### ۴- شجاعت

علامه امینی با بهره‌گیری از آموزه‌های اخلاقی مولایش امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (ع) شجاعت، مردانگی، صراحت بیان و هراس نداشتن از غیر خدا را در خود پرورانده بود که این مسایل از عوامل بسیار مهم در

موفقیت علمی و اخلاقی ایشان به ویژه در نوشتن الغدیر است.

علامه نقل می‌کند: هنگامی که به حج بیت الله الحرام مشرف شدم، بعد از نماز صبح روز عرفه، به سوی عرفات حرکت کردم. وقتی به صحرای عرفات رسیدم، صحرا پر از جمعیت بود و از کثرت جمعیت جایی برای نشستن و نصب خیمه نبود، اما دیدم در گوشه بیابان، جایی خلوت است که مشخص بود مکان ویژه پادشاهان و اشراف عربستان است. به شخصی که وسایل مرا حمل می‌کرد، گفتم وسایل را به آن مکان ببر. وسایلم را به آن جا برد و مزد او را پرداختم. وقتی مشغول نصب خیمه بودم، یکی از مأموران با صدای بلند فریاد زد و مرا از نصب خیمه منع کرد، ولی من به او توجهی نکردم. به طرف من آمد و دستم را گرفت تا مانع خیمه زدن در آن جا شود. ایستادم و گفتم: چه می‌خواهی؟ گفت: نصب خیمه در این مکان ممنوع است گفتم: چرا؟ گفت: مگر نمی‌بینی که این جا خیمه‌های امیر نصب شده است. در این لحظه با صدای بلند و با تعجب فریاد زدم (تا هر که داخل خیمه است بشنود): به امیرت بگو از سرزمین ما بیرون برو؛ این سرزمین بندگان است و برای امرا و رؤسا در این مکان، جایی نیست. مأمور ترسید و رفت تا کلام مرا به امیرش برساند. وقتی خبر به امیر رسید، فهمید که این فرد، شخصی عادی نیست که چنین شجاعتی دارد. از این رو، دیگر مانع علامه نمی‌شوند و ایشان در آن جا می‌ماند. [۲۷]

### ۵- عزم و اراده

داشتن اراده قوی از شرایط مهم در فعالیتهای پژوهشی است. چه بسیار پژوهشگران که وقتی در نیمه راه با مشکلات برخورد کرده‌اند، دست از کار کشیده‌اند، ولی هیچ مانعی نتوانست اراده پولادین علامه را سست کند.

شیخ رضا امینی، فرزند علامه در این باره می‌گوید: علامه خود را برای همه مشقت‌ها آماده ساخت، در برابر واقعیات تلخ ایستاد، با موانع جنگید و آن‌ها را تسلیم خود ساخت. [۲۸]

به راستی، اراده‌های آهنین و عشق و علاقه‌ای سرشار می‌طلبد تا فردی ۴۰ سال از عمرش را برای نوشتن یک کتاب صرف کند؛ کتابی که به طور معمولی باید چندین پژوهشگر در نگارش آن همکاری می‌کردند. آیت الله العبادی حسینی شیرازی می‌فرماید: اگر مؤلف عالی قدر این کتاب (علامه امینی) میان ما نبود و نمی‌دیدیم که او به تنهایی به این عمل بزرگ اقدام نموده‌اند، جا داشت که گمان شود این کتاب، اثر جمعیتی است که هر کدام، نگارش گوشه‌ای از آن را به عهده داشتند. [۲۹]

و شاعر چه زیبا سروده است:

جمال مبهم تاریخ اسلام

دهد ما را نشان آمار و ارقام

ز یمن همتش گردید روشن

که کار امتی کرده ست یک تن [۳۰]

پی نوشت‌ها:

- [۱] - تاریخ دقیق تولد علامه امینی (رحمه الله) مشخص نیست، ولی گویا سال ۱۳۲۰ هـ. ق (۱۲۸۱ هـ. ش) بوده است.
- [۲] - نک: الغدیر، برگردان: محمد تقی واحدی و دیگران، ج ۱، ص ۱۵۴؛ علمای بزرگ شیعه، ص ۴۱۰.
- [۳] - از مراجع بزرگ تقلید در قرن چهاردهم (وفات ۱۳۵۵ هـ ق)
- [۴] - از عالمان بزرگ نجف و نویسندگان کتاب‌های مانند: تحریر الاصول (وفات ۱۳۵۴ هـ ق)
- [۵] - شهیدان راه فضیلت: ص ۷.
- [۶] - علمای بزرگ شیعه، ص ۴۱۰.
- [۷] - ربع قرن مع العلامه: حسین شاکری، ص ۲۹۹.
- [۸] - گلشن ابرار: جمعی از پژوهشگران، ج ۲، ص ۲۲۷.
- [۹] - الغدیر: ج ۱، ص ۲۵.
- [۱۰] - جرعه نوش غدیر، مهدی لطیفی، ص ۷۲.
- [۱۱] - حماسه غدیرک محمدرضا حکیمی، ص ۵۵۱.
- [۱۲] - درآسه فی موسوعه الغدیر، کمال سید، ص ۲۵.
- [۱۳] - حماسه غدیر: ص ۳۴۷.
- [۱۴] - ربع قرن مع العلامه: ص ۲۸۶.
- [۱۵] - حماسه غدیر: ص ۵۵۱.
- [۱۶] - یادنامه: ص ۲۲.
- [۱۷] - جرعه نوش غدیر: ص ۴۲.
- [۱۸] - یادنامه: ص ۲۳.
- [۱۹] - همان.
- [۲۰] - همان.
- [۲۱] - اصول کافی: ج ۳، ص ۱۹۳.
- [۲۲] - یادنامه: ص ۲۲.
- [۲۳] - حماسه غدیر: ص ۴۸۱.
- [۲۴] - یادنامه: ص ۷۰.
- [۲۵] - حماسه غدیر: ص ۲۰۵.
- [۲۶] - ترجمه الغدیر: ج ۱، ص ۲۱.
- [۲۷] - تمام داستان‌ها و خاطره‌ها در این نوشتار، باز آفرینی شده‌اند.
- [۲۸] - ربع القرن مع العلامه، ص ۴۶.
- [۲۹] - یادنامه: ص ۳۰.
- [۲۹] - ترجمه الغدیر: ج ۱، ص ۱۵.
- [۳۰] - حماسه غدیر: ص ۵۷۵.